

اقامتگاه مریم
اتاقی برای
استراحت مادران

تصور کنید خدای ناکرده، یکی از بستگانتان بیمار شده و نیاز است چند روزی در بیمارستان بستری باشد تا مراحل درمانش را سپری کند. این طور مواقع سوا از استرس و دلهره و...، نیاز داریم برای چند دقیقه یا ساعتی سر بر بالین بگذاریم و استراحت کنیم تا بهتر بتوانیم به بیمارمان رسیدگی کنیم و در کنارش باشیم. دست‌شمارامی گیریم و می‌بریم به بیمارستان تخصصی کودکان اکبر مشهدوچشمستان رابه یک اتفاق درست ودرمان روشن می‌کنیم. مریم کاخی، از خیران شهرمان، در این بیمارستان اقامتگاهی باهمه تجهیزات برای مادران احداث کرده است تا لحظاتی که فرزندانشان در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شده‌اند، با آرامش چند

ساعتی استراحت کنند و باروحیه و انرژی بیشتری به کودکانشان رسیدگی کنند. سیدعلی جعفری، رئیس بیمارستان کودکان اکبر، در توضیح این خبر گفته است: در بعضی محدوده‌های سنی به‌ویژه در دوره نوزادی حضور مادر کنار فرزند بستری در بیمارستان الزامی است. این موضوع از همه‌نظر که مهم‌ترین بُعد عاطفی و شیردهی است، بسیار مهم است و احداث اقامتگاه امری ضروری تلقی می‌شد. بنابراین، اقامتگاه در فضایی به‌مساحت حدود ۴۵۰ مترمربع با ۱۷ اتاق و ۲۸ تخت با کمک خیران احداث شد و آماده‌ارائه خدمات به‌صورت کاملارایگان به مادرانی است که از شهرستان‌ها و راه دور به این بیمارستان مراجعه می‌کنند.



چراغی برای روشنایی خانه آخرت

روایت خانواده‌هایی که برای آموزش امواتشان خیرات متفاوتی در نظر می‌گیرند

از قدیم گفته‌اند «ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است»، بر این اساس برای احسان و نیکوکاری هر لحظه اراده کنید، دیر نیست. هر زمان و هر لحظه می‌توان کار خیر کرد. اصلانیکوکار بودن مخصوص قشر خاصی از جامعه نیست. می‌توان خیراتی ماندگار داشت؛ خیراتی که در گذر زمان و سال‌ها نام‌نیکش باقی بماند. یکی به نام عزیز از دست‌رفته برای بیماران دستگاه دیالیز می‌خرد، آن یکی خیراتش فراهم کردن جهیزیه برای نو عروس است، یکی نیز خیراتی از جنس خرماهای کاغذی دارد و بانذر کتاب خرماهای مراسم سالگرد را این چنین وقف «پوشش خرماهای کاغذی» می‌کند تا خیراتی ماندگار برای درگذشتگان باشد. پایه و بنیاد این دست خیرات از استان و شهر ما شکل گرفت؛ پوششی با عنوان «خیرماندگار» در عصر کرونا. کرونا که شروع شد، خانواده‌های زیادی برای برگزاری مراسم ختم عزیزانشان با مشکلاتی روبه‌رو شدند. با طولانی‌شدن زمان حضور کرونا، سبک برگزاری مراسم عزاداری تغییر کرد. عزاداری‌های زیادی به سمت وسوی پرداخت هزینه مراسم در قالب کمک‌به آزادی زندانیان، درمان بیماران و تأمین جهیزیه برای نو عروسان نیازمند سوق داده شد. خرده روایت‌هایی که می‌خوانید، روایت شهروندانی است که عشق و ارادت به عزیزانشان را جادوانه کرده‌اند.

گزارش
روزروزنامه نگار
الهام مهدی‌نژاد

یادبود پدر با کاستن دردی از بیماران



باز کنیم. این اقدامات و تلاش‌های ما نیز تلاشی برای حال خوش خودمان است، او به رسم خراسانی‌ها برای ایام نیمه شعبان و چراغ‌برات اشاره می‌کند و در این باره می‌گوید: «چراغ‌برات یکی از رسم‌های خوب برای یادبود درگذشتگان است. امسال روزهای پایانی سال و ایام چراغ‌برات هم‌زمان شده است. چه بهتر که این یادبودها به نحوی باشد که ماندگار شود، آن چنان که سال‌ها از آن خبر و منفعتی که به یاد عزیزانمان خیرات کردیم، مردمان بسیاری استفاده کنند.»

نذر «خرمای کاغذی» یادبود درگذشتگان



از این پیشنهاد استقبال خوبی کردند، «او به باز خورد های خوب اقداماتش رابه حوزه خیراتی ماندگار اشاره می‌کند: «مایک هینت خانوادگی داریم و آنجا وقتی صحبت از این نوع خیرات شد، خیلی از فامیل استقبال کردند و گفتند که آنان نیز برای این خبر و خیرات پیشگام می‌شوند. حالا هم اگر به پوشش نذر خرماهای کاغذی بپیوندند، باشماره ۰۵۱۳۲۱۴۷۴۴۸- تماس بگیرند تا کتابداران کتابخانه آن‌ها را راهنمایی کنند. خوبی طرح این است که به تناسب مبلغی که خیران کمک نقدی می‌کنند، تعدادی کتاب به یادبود درگذشتگان نشان مهر و ثبت می‌شود و تا زمانی که اعضای کتابخانه از این کتاب استفاده کنند و نکات مفیدی بیاموزند، ثوابش به روح درگذشتگان خیران بازخواهد گشت.»

هزینه مراسم چهلم صرف آزادی ۲ زندانی



عشق و ارادت اورا به مشهد و یابوسی بارگاه منور رضوی کشاند. مرحوم عباسعلی احمدزاده همراه همسرش از شاهرود راهی مشهد شد. او پس از آستان بوسی حرم مطهر رضوی، دعوت حق را لایک گفت. خانواده‌اش به واسطه عشق او به مشهد و بارگاه رضوی، تصمیم گرفتند که هزینه مراسم چهلم آن مرحوم را صرف آزادی دو زندانی کنند.

مریم یکی از دختران زنده‌یاد احمدزاده است. او که روایتگر آخرین لحظات زندگی پدرش است، در گفت‌وگو با ما می‌گوید: «اصلاتا شاهرودی هستیم، اما ساکن تهرانییم. با شروع کرونا، پدر و مادرم تصمیم گرفتند به دلیل وضع جسمی و نیز اوضاع بحرانی کرونا در تهران، راهی شاهرود شوند. در همه دوران کرونا فرصتی برای مشهد رفتن فراهم نشد. با کم شدن کرونا، من و خواهرم تصمیم گرفتیم که همراه پدر و مادرم راهی مشهد شویم.

پدر و مادرم با چه شوق و ذوقی راهی مشهد شدند! روز اول که به مشهد رسیدیم، متوجه شدیم که می‌توان در نرم افزار رضوان برای دریافت غذای متبرک حضرت ثبت نام کرد. آن روز خوارهم ثبت نام کرد و همان شب ناممان برای دریافت غذای حضرت اعلام شد. فردای آن روز پس از زیارت راهی میهمان سرای امام رضا^(ع) شدیم. وقتی قصد برگشت به هتل داشتیم، پدرم خواست دوباره نماز بخواند. گفت دلش آرام نمی‌گیرد و می‌خواهد

از خانه آخرت تا خانه بخت



فاطمه الهی یکی از بانوان فعال اجتماعی است. او سال‌هاست با ستاد ازدواج آسان محله راه‌آهن همراهی و همکاری می‌کند و به واسطه همین فعالیت‌هاست که با خانواده‌ها و جوانان زیادی که در آستانه ازدواج هستند، آشناست. برای گفت‌وگو تأکید می‌کند که وقت چندان‌ی ندارد. توضیح و دلیلش نیز بر مشغله‌های کاری و پیگیری‌هایش برای فراهم کردن اسباب ازدواج و وسایل لازم برای زوج‌های نیازمند است تا آنان به سلامتی و دل خوش راهی خانه بخت شوند. خانم الهی برای توضیحات بیشتر اقداماتش می‌گوید: «این روزها به شدت درگیر آماده‌کردن جهیزیه دختر و پسرهایم هستم. آن قدر درگیر شده‌ام که کمتر فرصت پیدا می‌کنم حتی به دیدار خوشاندندان بروم. «پیشینه همکاری خانم الهی با ستاد ازدواج آسان به چند سال پیش برمی‌گردد. همین همراهی و همکاری اوسبب شد که برای سالگرد درگذشت مادرش تصمیمی متفاوت بگیرند. او با هم فکری و همراهی خانواده‌اش بانی اهدای یک دست جهیزیه کامل به زوج جوانی شد. می‌گوید: «رمضان سال ۱۳۹۲ و هم‌زمان با شب وفات حضرت خدیجه^(ص) مادرم فوت کرد. از آنجا که من با این ستاد آشنا بودم، به خانواده پیشنهاد دادم که در سالگرد

سلامی دوباره وعهدی دگر



زینب نجیب - فعال فرهنگی

جمعه‌ای که پشت سر گذاشتیم، از سرود «سلام فرمانده ۲» رونمایی شد. یک سال پیش «سلام فرمانده ۱» نه تنها در ایران، بلکه در جهان غوغای عجیبی به پا کرد، سرودی که با خواندن چند کودک آغاز شد، اما اندکی بعد، دل‌ها را چنان تکان داد که همه آن شعر را حفظ و زیر زبان زمزمه می‌کردند. این چنین شد که گفت‌مانی از جنس نور بر زبان‌ها جاری ساخت.

دیگر فقط کودکان نبودند که شوق تجمعات این سرود، آن‌ها را به هم وصل می‌کرد تا موجی عظیم برپا کنند، بلکه انسان‌های بسیاری با هر لهجه و زبان، در هر منطقه و مکان، گاه به بهانه فرزندانشان و گاه بی‌بهانه حاضر می‌شدند و با خضوع در برابر منجی موعود^(ع) سلام می‌دادند و اظهار ارادت و فرمان‌برداری می‌کردند و شگفت‌آورتر آنکه صحنه‌هایی بس معنوی و انقلابی خلق می‌کردند. آن‌ها دل‌درگرو امامشان می‌سپردند و با او عهد و پیمان تازه می‌کردند و چه زیبا بود تجدید بیعت با فرمانده در عصر غیبت.

روزها گذشت، اما از تازگی آن آهنگ دل‌نشین و معانی‌والای آن کم‌نشد، بلکه با هر بار شنیدن طنین روح‌بخش آن، لب‌ها به ناگاه واژگانش را زمزمه می‌کرد. شاید مهم‌ترین دلیلش را در واژه «سلام» بتوان یافت، سلامی که بی‌شک علاوه بر غنای معنایی آن، بی‌جواب نیز نمی‌ماند و البته نماند.

از آن پس سلام فرمانده فقط یک سرود نبود، بلکه شعار شد برای نمایش اتحاد و رمز انقلابیگری ما، انقلابی که با تجدید میثاق، بار دیگر بیمه شد و سلامتی خود را تضمین کرد، انقلابی که همه هستی‌اش را در انقلابی ماندن جامعه خود و در حفظ آرمان‌هایش می‌داند و این حادثه نمایی فاخر شد از تداوم انقلاب و انقلابی‌تر شدن ما.

پس از یک سال، دومین سرود سلام فرمانده دیدگان عشاق رابه خود متوجه ساخته است، سلامی دوباره وعهدی دگر. گویا این بار سرودمان اراده‌ای دوچندان دارد. او امروز یابوری است که یک سال بزرگ‌تر شده، قد کشیده، شجاع شده و مقتدرانه فریادی می‌زند که کاری خواهیم کرد که نامت جهانی شود. آری، امروز منتظران امام زمان^(عج) عزمی به وسعت جهانی‌شدن دارند. آن‌ها می‌خواهند همه دنیا یکپارچه اورا صدا بزنند و اینجا تازه آغاز کار است، آغاز کار منتظران و پایان کار مستکبران.

امید است امسال در مسیر جهانی‌شدن نام و یاد او، قدمی بلند و مؤثر برای تحقق آرمان شهر مهدی موعود^(عج) برداریم و پاسخ سلام خود را از زبان اماممان و صوت جان‌بخش ایشان شنوا باشیم، ان شاء... .

تأملی برای مدیریت پسماند

وقتی عبارت «مدیریت پسماند» به گوشمان می‌خورد، ممکن است هر کداممان از آن معنای متفاوتی برداشت کنیم. مثلاً بیشتر افراد تصور می‌کنند که مدیریت پسماند جزو وظایف شهرداری است. اما واقعیت این است که مدیریت پسماند در شهرها، هم وظیفه شهرداری و هم وظیفه شهروندان است. متأسفانه در گذشته برنامه عملی بسیار کمی برای موضوع وظایف شهروندی در حوزه پسماند وجود داشته است. به همین دلیل، امروزه سرانه تفکر شهروندان درباره پسماند بسیار اندک است. عام‌ترین تعریف از «سرانه تفکر درباره پسماند»، میانگین زمان تفکر یک شهروند درباره پسماند تولیدی خودش در یک شبانه‌روز است.

بسیاری از خانواده‌ها تنها تفکری که درباره پسماند تولیدی خودشان دارند، این است که چه کسی از افراد خانواده زباله‌ها را جلو درب منزل بگذارد. این میزان تقریباً کمتر از بیست ثانیه است، در صورتی که مدیریت پسماند در منزل، کاهش تولید زباله و تفکیک از مبدأ نیازمند تفکر بیشتری است. ما در زمانه‌ای نیستیم که بتوانیم بار وظایف شهروندی را بر دوش سازمان‌های دولتی بیندازیم، اگر ما در این عصر موفق شویم که هنر «خودمسئولیتی» و مهارت این را که آن‌ها چگونه با ما مشارکت داشته باشند، به شهروندان بیاموزیم، گرفتار ناکامی در طرح‌های مشارکتی و هزینه‌های گزاف نمی‌شویم.

استفاده از ظرفیت شهروندان در ساختار مدیریت پسماند نیاز به تعریف وظایف شهروندی در حوزه پسماند دارد، مفهومی که در کشورهای توسعه‌یافته با عنوان «جامعه خودت انجام بده» در حال اجراست و می‌تواند فرصت‌های زیادی را در حوزه مدیریت پسماند ایجاد کند و هزینه‌ها را کاهش دهد.

اگر شهروندان در طرح‌های تفکیک از مبدأ و کاهش تولید زباله مشارکت داشته باشند، مزایای بالقوه زیادی نصیب شهرداری‌ها خواهد شد. سازمان مدیریت پسماند مشهد بر آن است تا با افزایش سرانه تفکر شهروندان در مقوله مدیریت پسماند از ابتدا تا انتهای چرخه آن را با همکاری و مشارکت مردمی بهینه‌سازی کند.